



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22517758.2022.12.15.1.8>

تبیین و تطبیق اندیشه‌های فلسفی آگوستین و سهروردی و دلالت‌های آن در حوزه اجرایی آموزش و پرورش

آغازها اکبرسادات^۱، علیرضا یوسفی^۲، نرگس کشتی آرای^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

چکیده

این تحقیق به منظور تبیین و تطبیق دیدگاه‌های تربیتی سهروردی انجام شده است. برای نیل به این هدف، پس از مطالعات گسترده منابع چاپی و الکترونیکی در دسترس تجزیه و تحلیل داده‌ها، با بکارگیری نظام مقوله‌بندی قیاسی انجام یافته و یافته‌ها در قالب مقوله‌های محوری بر اساس اهداف مورد نظر، شکل گرفته است. پژوهش حاضر نگاه‌های مشابه و مخالف این دو اندیشمند را از نقطه نظر اصول و مبانی فلسفی و نیز روش‌های تعلیم و تربیت مورد مقایسه قرار داده است. در این پژوهش برای سازمان‌دهی اطلاعات از دو ماتریس ساخت‌یافته بهره برده‌ایم و با استفاده از یک ماتریس مقوله‌بندی ساخت یافته، همه داده‌ها مرور و در زیر مقولات مرتبط گنجانده شده که این کار همزمان با فرایند مرور داده‌ها صورت گرفته است. برای بالا بردن اطمینان از صحت فرایند مقوله‌بندی، تمام متن مورد نظر مرور و نکات کلیدی آن با مراجعه به متن، دسته‌بندی می‌شود سپس اجزایی از متن که با ماتریس مورد نظر در تعارض نباشد به ایجاد مقولات جدید که در متن خاص وجود داشته و پیش از این مورد توجه نبوده منجر شده است.

واژه‌های کلیدی: یادگیری مؤثر، روش تربیت، فرایند یاددهی، آموزش و پرورش.

۱- دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی-اصفهان (واحد خوراسگان) اصفهان-ایران

۲- دانشیار گروه آموزش پزشکی - مرکز تحقیقات آموزش پزشکی - مدیریت مطالعات و توسعه آموزش پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی اصفهان - اصفهان - ایران

۳- دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی _اصفهان (واحد خوراسگان) اصفهان- ایران

مقدمه

ادبیات پژوهش

مارکوس اورلیوس اوگوستینوس (۳۵۴-۴۳۰ م) معروف به سنت آگوستین از مهم‌ترین متفکران تاریخ تفکر غرب و از تأثیرگذارترین فیلسوفان مسیحیت است که در ابتدای قرون وسطی ظهور کرد. او از پایه‌گذاران سنت مسیحی کاتولیک و پروتستان به حساب می‌آید. آگوستین آراء مهمی در الهیات مسیحی در خصوص رابطه عقل و ایمان، نظریه شناخت، خداشناسی، مسأله شر، و زیباشناسی عرضه داشته است. از کتاب‌های مهم او می‌توان به «شهر خدا» و «اعترافات» اشاره داشت. آگوستین تأثیر بسیاری بر تفکر مذهبی و فلسفی غرب داشته است. از نظر مذهبی، سنت تفکر آگوستینی (تفسیری نوافلاطونی از مسیحیت) را برای اندیشه مسیحی به ارمغان آورد و بر اصلاح مذهب و رنسانس و عرفان باختر زمین تأثیر بسزایی گذارد. از لحاظ فلسفی، از یک سو تأمل درون‌گرایانه را به فلسفه غرب عرضه داشت و از سوی دیگر، با مبحث «اشتباه می‌کنم، پس هستم» سپیده‌دمان مدرنتیه را نوید داد (توانا، ۱۳۸۸). آگوستین تحت تأثیر فلسفه افلاطونی و نوافلاطونی و به‌طور کلی سنت یونانی، هدف اصلی و نهایی انسان را نیل به سعادت می‌داند که باید بر اساس آن هدف تربیت شود. اما سعادت مورد نظر او با سعادت‌ی که یونانیان تعریف کرده بودند از اساس متفاوت بود، چرا که او مسیحی تربیت شده در کلیسا و علاوه بر آن، خود، اندیشمندی صاحب‌نظر بود و برای خود آراء و نظریات خاصی داشت. در سنت یونانی، اپیکوریان سعادت را در ارتباط با لذت بیشتر تعریف می‌کردند و در مقابل آنان رواقیون، سعادت را در خودداری از لذت‌های آنی و در واقع، لذت ترک لذت می‌دانستند. آگوستین سعادت حقیقی را اینگونه تعریف می‌کند: "سعادت حقیقی آن است که در حقیقت به وجد آییم و سرمستی از حقیقت، همانا سروری است که در تو می‌یابیم، در تو خدا یا که حق و نور حقیقی منی" (کرباسی‌زاده و ذوالفقاری، ۱۳۹۳). آگوستین که در نیمه دوم قرن چهارم و سه دهه اول قرن پنجم میلادی می‌زیسته است در عالم مسیحیت به لحاظ علمی، بزرگ‌ترین اندیشمند در میان آباء لاتینی کلیسا شناخته می‌شود. شخصیتی که آرای فلسفی و کلامی او تا قرن سیزدهم میلادی بر اندیشه غربی سیطره داشته و هنوز هم تأثیر خود را بر فکر و فرهنگ مسیحیت تا حدود زیادی حفظ کرده است (کاپلستون،

بشر امروزی با تمام جدیت می‌خواهد به میراث گذشتهٔ انسانی بپردازد، درست را از نادرست تشخیص دهد، جریان‌های اندیشه را پی گیرد و با نشان دادن نقاط قوت و ضعف آنها بتواند طرحی نو دراندازد. با این هدف که انسان جدید بتواند با اتکا به میراث معنوی و معقول پیشینیان و پالایش آن گامی دیگر به سوی تعالی انسانی و معنوی خویش بردارد. یکی از مهم‌ترین قلمروهایی که انسان در طی قرون به تأمل در آن پرداخته، عرصهٔ مباحث و آموزه‌های دینی است. ادیان بسیاری در تاریخ انسانی ظهور و بروز یافته‌اند و آموزه‌های مختلفی را برای بشر به ارمغان آورده‌اند. از دیر زمان در باب مواجهه با مدعیات ادیان، این پرسش مطرح بوده است که شیوه صحیح برخورد با آنها چگونه است؟ انسان با چه روشی به سراغ دین و مدعیات دینی برود و چگونه صحت و سقم گزاره‌های دینی را ارزیابی کند؟ در صورت تعارض و تنافی بین یافته‌های انسانی و داده‌های دینی کدام مقدم است؟ مقایسه دیدگاه‌های صاحب‌نظران در فرقه‌های مذهبی از گذشته تا امروز مطرح بوده و هست. در این راستا، مقاله حاضر قصد دارد به واکاوی آراء تربیتی آگوستین و سهروردی به منظور ارائه مدلی در جهت تعلیم و تربیت بپردازد و چون شناخت انسان و آگاهی از ویژگی‌های آنان، منبع مهم استخراج و تدوین اهداف تربیتی است و راهبردهای علمی، فلسفی، دینی و عرفانی از جمله اساسی‌ترین وسایل شناخت انسان محسوب می‌شود. لذا اهمیت و نقش روشنگرانه مطالعه تطبیقی یکی از روش‌های مهم در ایجاد تحول بینشی و اعطای بصیرت نافذ قرار دادن افراد در معرض مقایسه است. استفهام معرفت‌زای «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» (سوره زمر، آیه ۹) چنین نقشی را دارد. (قرا ملکی، ۱۳۸۵: ۱۳۶). شناسایی دیدگاه‌های فلاسفه و نظریات آنان در زمینه تعلیم و تربیت می‌تواند راهکارهای تربیتی مناسبی برای بهره‌گیری بهتر در نظام آموزش و پرورش کشور ارائه دهد. برای این منظور، اندیشه‌های آگوستین و سهروردی مورد بررسی قرار گرفته تا با نتایج اهداف تعلیم و تربیت بر اساس مبانی انسان‌شناسی و تفاوت‌ها و شباهت‌ها در نظریات، پیامدها و کاربردهای تعلیم و تربیتی آن در نظام تعلیم و تربیت کشور مورد بررسی قرار گیرد.

کشند، مستلزم کمال یافتن تمام قوای ذهنی و روانی یا نفسانی انسان است (نصر، ۱۳۸۶: ۲۶۴). برترین هدف تعلیم و تربیت از نظر شیخ اشراق، نزدیکی به کمال مطلق است. این نزدیکی جنبه مادی ندارد، بلکه وجودی، روحی و حضوری است. هر چه انسان با علم شهودی، عظمت خدا و اسماء و صفات او، و نیز فقر ذات خویش را بیشتر احساس کند، به همان میزان او به مقام قرب بیشتر نائل می‌شود. شهود و رشد ادراک شهودی هدف دیگر تربیت اشراقی است. به عقیده شیخ اشراق انسان در تربیت نفس می‌تواند به مرتبه‌ای رسد که انوار الهی بر او بتابد، این انوار اکسیر علم و قدرت است یعنی به واسطه آن انسان می‌تواند به معارفی دست یابد که بیش از آن برای او حاصل نشده بود و می‌تواند در جهان هستی تصرف کند. تقویت اندیشه و پرورش تفکر هدف تربیتی دیگر نظام فلسفی شیخ اشراق است، او تحقق این هدف را به دو علت لازم می‌داند: یکی آنکه زمینه معرفت انسان به جهان هستی و هدف حکمت نظری تمام معارف در نفس ناطقه و تبدیل انسان به جهانی عقلی شبیه جهان عینی است و دیگر اینکه حکمت اشراقی وی نیازمند اندیشه قوی و تفکری خلاق و تسلط بر حکمت مشاء است. بالاخره، رشد اخلاقی و اعتدال در خصلت‌ها، رفتارها و قوای ظاهری و باطنی انسان هدف دیگر تعلیم و تربیت از نظر شیخ اشراق است (بهشتی، ۱۳۷۹: ۹۲). اصول تربیتی حاصل از اندیشه‌های شیخ اشراق غفلت-گریزی، کرامت نفس، صبر و خودشناسی است. از میان روش‌های تربیتی برگرفته از آرای سهروردی، می‌توان به اهمیت عرفان، شهود، تفکر و تعقل، که هر دو بر آن تأکید داشته‌اند، اشاره کرد (شرفی‌جم و خلیلی، ۱۳۸۹: ۸۱). سهروردی شناخت‌های انسان را به پنج دسته تقسیم می‌کند که شامل: ۱- شناخت فطری: صادق‌ترین قضایا که شناخت‌های دیگر انسان به آن بر می‌گردد شناخت فطری است. مانند: محال بودن اجتماع که صدق آنها برای انسان بدیهی است.

۲- شناخت حسی: این نوع شناخت، معرفتی است که از حواس پنج‌گانه قابل حصول است.

۳- شناخت خیالی: از دیدگاه شیخ اشراق چنین شناختی بدون حضورش نیز تحقق می‌یابد.

۱۳۸۷). آگوستین می‌گوید: «نخستین والدین ما به عصیان آشکار درافتادند، زیرا پیشتر در نهن، فاسد شده بودند؛ زیرا اگر اراده شر مقدم بر فعل شر نمی‌بود، هرگز فعل شر انجام نمی‌شد» (آگوستین^۱، ۱۹۷۱). آگوستین مبنای گناه را گناه درونی می‌داند و بر این باور است که سوء استفاده انسان از اختیار موجب شد انسان، گناه یا شر را تجربه کند. از نظر آگوستین، نظریه هبوط در مسیحیت در صدد نشان دهد مخلوقات جهان در ابتدا کامل بودند اما به واسطه گناه آدم، در مقابل خداوند عصیان ورزیدند (ندایی و کوهستانی، ۱۳۹۱). در مبنای معرفت شناختی و انسان‌شناختی آگوستین به تفکیک، عقیده داشت انسان به این دلیل به دنبال شناخت است که احساس می‌کند کامل نیست و به دنبال موجودی است که کامل‌تر از اوست و می‌تواند موجب آرامش و بهجت او شود. شرط لازم دستیابی به آن آرامش درونی، شناخت آن حقیقت کامل و ازلی و ابدی است که سعادت را به دنبال دارد. لازمه سعادت، حکمت و لازمه حکمت، معرفت به حقیقت است. یکی دیگر از ویژگی‌های آراء و اندیشه‌های آگوستین در بحث شناخت، نظریه اشراقی اوست. او معتقد بود ما نمی‌توانیم حقیقت ثابت اشیاء را درک کنیم، مگر اینکه نوری آنها را روشن ساخته باشد؛ این نور، که به عقل روشنایی می‌بخشد از خدا سرچشمه می‌گیرد و «نور معقول» است و هر چیزی که برای عقل روشن است در او و با او و از طریق او روشن می‌شود (کاپلستون، ۱۳۸۷). شیخ شهاب‌الدین یحیی بن حبش امیرک سهروردی، معروف به «شیخ اشراق» در سال ۵۴۹ هجری قمری در روستای سهرورد در نزدیکی زنجان دیده به جهان گشود. به دلیل مصاحبت با صوفیان، به ریاضت و مجاهدت روی آورد و در نتیجه ریاضت‌ها و مجاهدت‌ها به مقام کشف و شهود رسید (تورانی، ۱۳۸۰: ۳۸). او در زمرة قله‌های رفیع تفکر فلسفی به حساب می‌آید و از فیلسوفانی است که به درستی می‌توان نام «مؤسس» را بر آنها نهاد (امید، ۱۳۸۰: ۴۲). سهروردی و فخرالدین رازی، دو شاگرد ممتاز و برجسته مجدالدین جیلی بودند (تدین، ۱۳۷۷: ۲۵). هدف نهایی تعلیم و تربیت وی نیل به اشراق است، که آن هم به نوبه خود، چون پای عنصر عقلی و نفس در تمام وجوه و ساحات آن را به میان می‌-

¹ Augustine

روش تحقیق

تحلیل محتوای مبتنی بر قیاس، که برخی آن را "تحلیل محتوای هدایت شده" هم نامیده‌اند، همانند رویکردهای دیگر کار خود را با آماده‌سازی اولیه برای تحقیق آغاز می‌کند، اما در مرحله سازمان‌دهی، مسیر متفاوتی را در پیش می‌گیرد. استفاده از این رویکرد زمانی ضرورت می‌یابد که پیرامون موضوع تحقیق، دیدگاه‌های نظری گوناگونی وجود دارد، و هدف از انجام تحقیق، آزمون نظریه‌های پیشین و یا بسط آنها در یک زمینه متفاوت است. نظریه‌ها و ادبیات موجود در یک زمینه می‌تواند به پیش‌بینی متغیرها و روابط میان آنها کمک کند. از این رو، می‌توان فرایند مطالعه را به شکلی ساخت یافته‌تر و با بهره‌گیری از این دیدگاه‌های پیشینی هدایت کرد. دیدگاه‌های موجود به ما کمک می‌کند که به تعریف عملیاتی مفاهیم مورد نظر دست پیدا کنیم. این تعریف عملیاتی، مقولات مورد نیاز پژوهش را فراهم می‌آورد. تعریف عملیاتی از صفات مستتر در هر متغیر تشکیل شده و این صفات باید مانع‌الجمع و جامع باشند (ببی، ۱۳۸۱: ۶). مقولات اصلی که معرف موضوع مورد مطالعه هستند از تعریف عملیاتی، استخراج شده و در یک جدول قرار می‌گیرند. استفاده از تعریف عملیاتی و ایجاد فهرستی از مقولات، به معنای پذیرش همه جانبه رهیافت قیاسی نیست. در اینجا می‌توان با توجه به هدف تحقیق، یک ماتریس مقوله‌بندی ساخت یافته و یا ساخت‌نیافته را ترسیم کرد (اپلوو کاینگاس^۱، ۲۰۰۷، ص ۱۱۲). در حالت اول، ما با فرایندی کاملاً قیاسی مواجه هستیم، در حالیکه در صورت دوم، این فرایند کار خود را با قیاس شروع می‌کند و سپس به استقرا پیوند می‌خورد. در این پژوهش برای سازمان‌دهی اطلاعات از دو ماتریس ساخت‌یافته بهره برده‌ایم با استفاده از یک ماتریس مقوله‌بندی ساخت‌یافته، همه داده‌ها مرور و در زیر مقولات مرتبط گنجانده شده که این کار همزمان با فرایند مرور داده‌ها صورت گرفته است. برای بالا بردن اطمینان از صحت فرایند مقوله‌بندی، تمام متن مورد نظر مرور و نکات کلیدی آن با مراجعه به متن، دسته‌بندی می‌شود سپس اجزایی از متن که با ماتریس مورد نظر در تعارض نباشد به ایجاد مقولات جدید که در متن خاص وجود داشته و پیش از این مورد توجه نبوده منجر شده است.

۴- شناخت عقلی: شیخ اشراق با وجود آنکه حکیم اشراقی است ولی فلسفه اشراق را بدون استدلال امکان-پذیر نمی‌داند.

۵- شناخت شهودی: از نظر سهروردی، خداوند برخی از معارف را به‌صورت رؤیا، حدس و مکاشفه به انسان القاء می‌کند. او معتقد است که حکمت بدون شهود معنا ندارد. انسان با مشاهده حسی از پدیده‌های مادی آگاه می‌گردد و با مشاهده اشراقی به معرفت عالییه دسترسی می‌یابد. (حسین‌زاده و یعقوب‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۴۷). سهروردی روش-های تربیتی را شامل آموختن حکمت، عمل صالح، ریاضت، تفکر، ذکر، دعا و تضرع و تلاوت قرآن می‌داند. وی تلاوت پیوسته قرآن را در تربیت انسان بسیار مؤثر می‌داند به شرط آنکه هنگام تلاوت قرآن دارای نشاط و سرور بوده و از خستگی بدور باشد. او منبع حکمت را قرآن می‌داند.

سهروردی انسان را اینگونه تعریف می‌کند؛ موجودی قدسی، صاحب علم و اراده و فناپذیر است و مسافری است که از عالم علوی به عالم سفلی و محبوس در زندان طبیعت است و از اصل خویش منفک شده است. والاترین نوع معرفت «ادراک خدا» است، معرفتی که، به هر حال، جز از طریق داشتن ایمان نمی‌توان بدان نائل شد. از این رو، تقویت ایمان پیش شرط هر نظام تعلیمی-تربیتی است که می‌خواهد سرشتی اسلامی داشته باشد، و در عین حال این تقویت ایمان خود بدون تربیت اخلاقی و کسب فضائل اخلاص و تقوا امکان‌پذیر نیست. انسان قادر است به این علم اعلی دست یابد زیرا مثل اعلای او (انسان کامل)، که او در ژرفای وجودش حامل آن است، آینه‌ای است که در آن اسم اعظم، یعنی الله، لذا واقعیت تمام آنچه در عالم ظهور (world of manifestation) یافت می‌شود (نصر، ۱۳۸۶: ۲۶۹).

روش تربیتی سهروردی: ۱- مشاهده و اشراق: این روش به این معنی است که مشاهده حس ظاهر و مشاهده حس باطن در دستیابی به حقیقت، مکمل یکدیگر بوده و منجر به معرفت انفسی می‌شوند.

۲- ریاضت ۳- ذکر سهروردی معتقد است، ذکر نام‌های خداوند، موجب تحول درونی است و روح انسانی را آماده پذیرش نور حق می‌کند. ۴- تضرع و ابتهاج ۵- محبت (شرفی‌جم و خلیلی، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

¹ -Elo & Kyngas

جدول ۱- رهیافت اصلی در تحلیل محتوای کیفی (قیاسی)

منبع کدها و یا مقولات	تعریف کدها و مقولات	شروع تحقیق	تحلیل محتوای کیفی
استخراج کدها از نظریه و یا یافته‌های تحقیقی	تعریف کدها پیش از تحلیل و در خلال آن	نظریه	تحلیل محتوای قیاسی

مفاهیم و در یافتن مؤلفه‌های دو دیدگاه آگوستین و سهروردی در یک چارچوب مفهومی و همچنین بررسی رویکردهای مطرح شده در تعلیم و تربیت مبتنی دو دیدگاه آگوستین و سهروردی از روش تحلیل محتوای کیفی نظام مقوله‌بندی قیاسی استفاده شده است در سطح دوم پژوهش به منظور توصیف، تبیین و تفسیر دو دیدگاه آگوستین و سهروردی از روش تحلیل محتوای مبتنی بر قیاس، که برخی آن را "تحلیل محتوای هدایت شده" هم نامیده‌اند، همانند رویکردهای دیگر کار خود را با آماده‌سازی اولیه برای تحقیق آغاز می‌کند، اما در مرحله سازمان‌دهی، مسیر متفاوتی را در پیش می‌گیرد. استفاده از این رویکرد زمانی ضرورت می‌یابد که پیرامون موضوع تحقیق، دیدگاه‌های نظری گوناگونی وجود دارد.

نتایج به دست آمده در ارتباط با سؤالات تحقیق، بعد از حذف کدهای اضافی، کدها دسته‌بندی شدند. و مراتب ذیلاً بیان می‌گردد:

- دسته‌بندی مفاهیم و مؤلفه‌های دیدگاه آگوستین و سهروردی در یک چارچوب مفهومی
- بررسی رویکردهای دو دیدگاه مبتنی بر ارزش-شناسی و هستی‌شناسی و....
- توصیف و تبیین و تفسیر دو دیدگاه آگوستین و سهروردی (شیخ اشراق)
- در تربیت محصول‌مداری و آنچه که تربیت نیست بجای آنچه باید باشد، می‌نشیند و از این رو است که هدف تربیت را در خود تربیت می‌دانند مربی باید بر اساس اصالت‌های فطری و مقاصد طبیعی و تکوینی مرتبی خود را مطابقت دهد که در فرایند شکوفایی و به فعلیت رسیدن استعدادهایش کشف می‌کند نه اینکه مرتبی را با اهداف خود همسو کند غایت اصلی تربیت، سوق دادن انسان به سمت خیر و خوبی و سپس سعادت و کمال نهایی است و مهم‌ترین و اساسی‌ترین عاملی که می‌تواند در این امر خطیر، مؤثر واقع افتد، متعلم و مربی آگاه و کمال یافته است؛ بنابراین اهمیت وجود مربیان

تعیین جامعه تحقیق: در پژوهش تحلیل محتوا، جامعه اغلب دربرگیرنده مجموعه‌ای از پیام‌های متنی است (نئوندورف، ۲۰۰۲). جامعه پژوهش تحلیل محتوا، غالباً در آغاز مطالعه به شکل قیاسی تعریف می‌شود؛ اما ضمن پیشرفت مطالعه، یعنی طی جمع‌آوری داده‌ها، ممکن است جامعه پژوهش پالایش شود (گسترده یا محدود شود) بنابراین تعریف، انتخاب جامعه در طی دو فرایند قیاسی و استقرایی صورت می‌گیرد (ین، ۲۰۱۱م، ص ۸۸-۸۹) در این پژوهش جامعه آماری کلیه کتاب‌هایی است که درباره عقاید و نظریات آگوستین و سهروردی مطالب بسیطی مطرح و چاپ شده است. پس می‌توان کلیه منابع مکتوب و دیجیتالی در دسترس مرتبط با عقاید آگوستین و سهروردی را در این امر نام برد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: مقوله‌بندی داده‌ها، حاصل کدگذاری به معنای طبقه‌بندی واحدهای معنادار متن است و به دو شکل کدگذاری اولیه و کدگذاری استنباطی (محوری و انتخابی) نامیده می‌شود صورت می‌گیرد.

اطلاعات و داده‌ها:

بعد از پیاده‌سازی مطالب و نظریات آگوستین و سهروردی و استخراج ۴۲۷ کد مفهوم از جملات استخراج شده، سپس محقق به منظور دستیابی به پاسخ سؤال پژوهش در جدولی دیگر، به دسته‌بندی این کد مفاهیم پرداخته و مفاهیم جایگزین شده‌ای به دست آورد. از آنجایی که برای تهیه عنوان و نام برای کدها می‌توان از دو روش استفاده کرد: یکی کدهای برخاسته و دیگری کدهای درونی. البته کدهای درونی بر کدهای برخاسته ترجیح داده می‌شود، چون به داده‌های مورد مطالعه نزدیک‌ترند (فلیک، ۱۳۹۲؛ ترجمه جلیلی). لذا محقق ترجیح داد که نام‌گذاری برای مقوله‌ها بر اساس داده‌های درونی مطالعه باشد به منظور پاسخگویی به سؤالات فوق پژوهش حاضر در دو سطح انجام گرفت که در هر دو سطح از روش پژوهش کیفی استفاده شده است در سطح اول پژوهش به منظور دسته‌بندی کردن

باید دیدگاه صاحب‌نظران را در دو حوزه فلسفه و روانشناسی مورد بررسی قرار داد در حوزه فلسفی بیشتر از منطق و عقاید در فهم موضوعات استفاده می‌شود.

آگاه نیز در کنار اهمیت تعلیم و تربیت، برجسته می‌شود. می‌توان اذعان داشت که به منظور دسته‌بندی مفاهیم و مؤلفه‌های در دیدگاه آگوستین در یک چارچوب مفهومی



شکل ۱- ترکیب نظریات فلسفی آگوستین

اخلاقی معصیت یا نتیجه معصیت است". پس اگر شر یا خطایی وجود دارد، برای این است که انسان از اراده‌اش بد استفاده کرده است (ایلخانی، ۱۳۸۶ : ۱۱۰). روح و وحی: برای سنت آگوستین نقطه آغازین سیر درون عشق است و آگاهی از این جنبه روح حاصل اعمال درونی و احساس نقص و وابستگی است که آگاهی از این احساس‌ها و طرق ارضای آنها قابل درک عقلانی نیستند، ولی دستیابی به این ارضاء، رسالت و هدف تعلیم و تربیت است (فرهانیان ۱۳۹۵) و امید سیدلر (۱۳۹۴)؛ کلیه مفاهیم استخراجی از نظریات آگوستین را تأیید می‌کند.



شکل ۲- ترکیب نظریات فلسفی آگوستین

تثلیت: اعتقاد به تثلیث، یعنی خدای پدر، خدای پسر و روح القدس از جمله باورهای ضروری مسیحیان است (دورانت، ۱۳۶۸). شناخت عقلی: بین دو مرحله دانی و عالی، مرتبه‌ای میانی وجود دارد که در آن عقل بر اساس معیارهای غیرمادی درباره اشیای مادی حکم صادر می‌کند. اشراق: شناخت واقعیت حقیقی در نفس، از اشراق به وسیله خدا برمی‌خیزد. به گفته آگوستین ما نمی‌توانیم حقیقت ثابت اشیاء را درک کنیم، مگر اینکه نوری آنها را روشن کرده باشد. (ایلخانی، ۱۳۸۶ : ۱۰۷). سعادت: آگوستین در نظریه اخلاق خود، زندگی بشر را دارای هدفی به نام سعادت می‌داند نظام اخلاق (معرفت): آگوستین در حوزه معرفت‌شناسی مسأله اصلی خود را در قلمرو معرفت‌شناسی اثبات این معنا می‌داند که برای انسان امکان دستیابی به معرفت وجود دارد. ابزار کسب معرفت با توجه به متعلق شناسایی انسان، متفاوت است. امور مادی و طبیعی از طریق حس و عقل دریافت می‌شود. معرفت ما در این حوزه معرفتی نسبی است. بخش دیگر از معرفت انسان حاصل اشراق است، اشراقی که نتیجه تأثیر نور الهی بر وجود آدمی است. (علم‌الهدی، ۱۳۷۶). تعلیم و تربیت: "تربیت انسان مسیحی مؤمن و عمل کننده به آموزه‌های عیسی مسیح (ع) و وفادار به کلیسای کاتولیک". (مجتهدی، ۱۳۸۷ : ۸۰). گناه: هر شر

ارزش‌های اخلاقی: از نظر وی هدف اخلاق، عبارتند از: بریدن از عالم ظلمت و چاه ظلمانی و رسیدن به عالم نور، اتصال به نورالانوار و خلیفه الله شدن در زمین و راه رسیدن به این مقام، تخلق به صفات نیک اخلاقی و دوری از صفات بد و ناپسند است. (شرفی‌جم، خلیلی، ۱۳۸۹: ۸۹). **ذکر و ریاضت (راه‌های تضرع):** ارزش‌هایی که در ارتباط با خدا باید رعایت شوند (تقوا، انقطاع الی الله، ذکر دائم، عبادات، دعا و تضرع) آنچه در رشد فردی انسان مؤثر است (رهایی از خود، محاسبه نفس، ریاضت، استقامت، تخلیه، تحلیه و تجلیه) (سهروردی، ۱۳۷۲: ۱۰۲). **انسان و کرامت نفس:** در این مسیر، شیخ اشراق، شناخت نفس را از طریق حضور و شهود درونی دنبال می‌کند (رضازاده، ۱۳۹۰: ۸۳). بنا به گزارش موسوی (۱۳۹۳)، محمدی (۱۳۹۳)، نوروزی و هاشمی‌اردکانی (۱۳۹۱). فضلی (۱۳۹۱). تحقیقات مذکور با یافته‌های این پژوهش در یک راستاست و دسته‌بندی مفاهیم را تأیید می‌کند.

سعادت: از نگاه سهروردی سعادت حالت و وضعیت خوبی است که در نهایت انسان را به سوی بهشت جاودانی هدایت می‌کند. از نظر او سعادت قصوی تشبه به مبادی عالیه است و از جمله نتایج آن اتصال عقلی به عالم علوی است (عروتی موفق، ۱۳۹۲: ۱). **اشراق و مکاشفه و شهود:** شیخ معتقد بود ما نمی‌توانیم حقیقت ثابت اشیاء را درک کنیم، مگر اینکه نوری آنها را روشن ساخته باشد؛ این نور، که به عقل روشنایی می‌بخشد از خدا سرچشمه می‌گیرد و «نور معقول» است و هر چیزی که برای عقل روشن است در او و با او و از طریق او روشن می‌شود (کاپلستون، ۱۳۸۷). **اهمیت پس از مرگ:** به نظر شیخ اشراق برای نفس نمی‌توان فنا تصور نمود. زیرا علت او که عقل فعال است جاوید است (ایروانی و صبحی قراملکی، ۱۳۸۱: ۸۶). **تعلیم و تربیت:** در نظر او کل زندگی انسان معطوف است به کسب معرفت از طریق فرایندی که به معنای کلی واژه تعلیمی- تربیتی است. ویژگی بارز آغاز این فرایند عطش معرفت است، (نصر، ۱۳۸۶: ۲۶۴).



شکل ۳- ادغام و ترکیب اصول و اهداف حاکم بر زمینه تعلیم و تربیت از دیدگاه آگوستین

پیروی از آدم ثانی یعنی عیسی مسیح می‌تواند از گناه پاک شود. آگوستین نیز به پیروی از پولس، گناه ازلی بشر را با تأسفی عمیق می‌پذیرد (منصورنژاد، ۱۳۸۹). **کتاب مقدس مبنای اصلی تعلیم و تربیت:** به اعتقاد آگوستین، همان‌گونه که مسیح واسطه انسان‌ها با خداست، کلیسا هم واسطه بین انسان‌ها و مسیح است. بنابراین، مرجعیت کلیسا یگانه عاملی است که آدمی را به مسیح و از مسیح به خدا می‌رساند (یاسپرس، ۱۳۶۳: ۱۱۹). **کاربرد روش‌های تلقینی، تکرار و حفظ:** توجه بسیار به انضباط و نظارت و زهد و پرهیز آن را امری انعطاف‌ناپذیر نمود و تأکید بر روش‌های تلقینی و تکرار و

تأثیرات نامطلوب اجتماع بر تربیت: در مبحث انسان-شناسی معتقد به وجود اختیار در اعمال انسان بوده، و اراده انسان را در خیرات کاملاً مقهور اراده الهی می‌داند، همچنین آگوستین ایمان را مقدم بر تعقل دانسته و نیز نسبت به تعاملات اجتماعی چندان خوشبین نیست (دارابی، ۱۳۹۲). **انسان گناهکار و مختار در انتخاب:** به عقیده او گناه آدم، گناه شخصی نیست و نزد او باقی نمی‌ماند و به همه انسان‌های بعد از او سرایت می‌کند. دلیلش این است که او با گناه خود، جوهر انسان را فاسد کرد و بدین ترتیب، انسان تحت سلطه گناه درآمد. انسان به سبب سرپیچی آدم از فرمان خدا گناهکار شد و تنها با

(یاسپرس، ۱۳۶۳). عسکریان (۱۳۹۰) دهقانی (۱۳۹۰) زروانی (۱۳۷۹). پورسینا (۱۳۸۶) (علم الهدی، ۱۳۷۶). تعلیم و تربیت از دید آگوستین عملی است که هدف آن کمک به انسان جهت نیل به سعادت جاودانی از طریق کسب حقیقت در حد امکان است. کلیه تحقیقات مذکور با مفاهیم هم‌دسته و طرح به دست آمده از اصول و اهدافی را حاکم بر زمینه تعلیم و تربیت از دیدگاه آگوستین در یک راستا قرار دارد و طرح پژوهش را تأیید می‌کنند.

حفظ، سبب رکود پویایی در تعلیم و تربیت شد (علم الهدی، ۱۳۷۶). تجربه و مشاهده در امر آموزش: «وقتی معلم مطلبی را به شاگرد از طریق کلمات می‌گوید، شاگرد در حد استطاعت خویش به حقایق درونی‌اش توجه می‌کند. اگر سخنان معلم با آن حقایق درونی تطبیق نماید و مورد تأیید باطن قرار گیرد، آن را آموخته است» (علم الهدی، ۱۳۷۶). تربیت بر اساس خدا محوری: برای آگوستین، جستجو برای درک حقیقت روح، همان جستجو برای درک خداست. خدا را در اعماق روح می‌بیند و روح را در پیوند با خدا



شکل ۴- ترکیب اصول و اهداف حاکم بر زمینه تعلیم و تربیت از دیدگاه سهروردی

سختی ندارد. شناخت و معرفی نفس از طریق علم حضوری، راهی نو در شناخت نفس است (رضازاده، ۱۳۹۰: ۸۳). اشراق و مکاشفه: شیخ معتقد بود ما نمی‌توانیم حقیقت ثابت اشیاء را درک کنیم، مگر اینکه نوری آنها را روشن ساخته باشد؛ این نور، که به عقل روشنایی می‌بخشد از خدا سرچشمه می‌گیرد و «نور معقول» است و هر چیزی که برای عقل روشن است در او و با او و از طریق او روشن می‌شود (کاپلستون، ۱۳۸۷). عشق الهی منشأ تربیت انسان: سهروردی خداجویی را یکی از گرایش‌های انسان می‌داند که از کمال‌جویی او نشأت می‌گیرد. از گرایش‌های دیگر انسان می‌توان از حقیقت‌جویی، فضیلت‌جویی و گرایش به صیانت ذات نام برد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰: ۲۸). راهکار تضرع، ابتهال و محبت:

توجه به ارزش‌های فردی و اجتماعی: نیل به سعادت حقیقی، بدون داشتن «اخلاق الهی» و «زندگی سالم جهت رشد و تکامل انسانی» امکان‌پذیر نیست. آنچه امروزه به آن نیازمندیم، دانستن اهمیت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق فرهنگی برای رسیدن به این هدف است (کبیری، معلمی، ۱۳۸۸: ۶۹).

ذکر و ریاضت (یکی از روش‌های تربیتی): ارزش‌هایی که در ارتباط با خدا باید رعایت شوند (تقوا، انقطاع الی الله، ذکر دائم، عبادات، دعا و تضرع) معرفه النفس: یکی از راه‌هایی که سهروردی در معرفی نفس بکار گرفته، روش توجه به درون است. سهروردی به نقش نفس در تفکر و اعمال دیگر ذهن معترف است و با تکیه بر این گونه فعالیت‌های نفس اثبات می‌کند که نفس با عالم اجسام

شناختی مورد توجه قرار گیرد. اهمیت زندگی پس از مرگ: به نظر شیخ اشراق برای نفس نمی‌توان فنا تصور نمود. زیرا علت او که عقل فعال است جاوید است، بنابراین معلول (نفس) به خاطر دوام علت (عقل فعال) دائم باقی می‌ماند (ایروانی و صبحی قراملکی، ۱۳۸۱: ۸۶)، امین رضوی (۱۳۷۷). نوروزی و هاشمی‌اردکانی (۱۳۹۱) باقری نوع‌پرست و باقری نوع‌پرست (۱۳۹۰) (مجلسی، ۱۳۸۹) (بهشتی، ۱۳۷۹: ۹۲). گفته می‌شود که کلیه تحقیقات نام برده شده با پژوهش هماهنگ است و طرح ویژه اندیشه‌های سهروردی در خصوص اصول و اهداف حاکم بر زمینه تعلیم و تربیت را تأیید می‌کند.

سهروردی معتقد است، ذکر نام‌های خداوند، موجب تحول درونی است و روح انسانی را آماده پذیرش نور حق می‌کند (شرفی‌جم و خلیلی، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

شناخت فطری انسان: سهروردی شناخت‌های انسان را به پنج دسته تقسیم می‌کند که شامل: ۱- شناخت فطری: ۲- شناخت حسی: ۳- شناخت خیالی: ۴- شناخت عقلی: (حسین‌زاده و یعقوب‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۴۷). **وحدت انسان با خدا:** در وصال انسان به خداوند، در حقیقت ذاتی واحد تجلی می‌یابد، اما از جهت کشف و شهود انسان جنبه‌های مختلف به خود می‌گیرد. بنابراین رابطه واحد می‌تواند از هر سه جنبه هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش



شکل ۵- وجوه اشتراک آرای تربیتی آگوستین و سهروردی



شکل ۶- وجوه افتراق آرای تربیتی آگوستین و سهروردی

نتیجه‌گیری

لذات حسی، عقلی و معنوی تقسیم نمود و عشق را نیز به عشق‌های جسمانی، عقلانی، روحانی و معنوی می‌توان تقسیم نمود. سهروردی همه لذات را به لذات معنوی و روحانی بر می‌گرداند و منت‌های لذت معنوی را لذت نورالانوار می‌داند (شفيعی و فاضلی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). دیدگاه‌های اخلاقی سهروردی مبین رویکرد ارزشی او محسوب می‌شود. از نظر وی هدف اخلاق، عبارتند از: بریدن از عالم ظلمت و چاه ظلمانی و رسیدن به عالم نور، اتصال به نورالانوار و خلیفه‌الله شدن در زمین و راه رسیدن به این مقام، تخلق به صفات نیک اخلاقی و دوری از صفات بد و ناپسند است.

رابطه انسان و خداوند طبق دیدگاه آگوستین، در واقع یک رابطه عمیق حاکمی از وصال انسان و خداوند است که به رفع دوگانگی میان آنها می‌انجامد. بنابراین یکسویه بودن این رابطه به دلیل یگانگی حاکم میان انسان و خداست. اتصال انسان به خداوند همواره برای او محقق است، اما انسان از آن غافل است و فقط با لطف الهی می‌تواند حضور آن را شهود نماید و به آن معرفت دست یابد. در وصال انسان به خداوند، در حقیقت، ذاتی واحد تجلی می‌یابد، اما از جهت کشف و شهود انسان جنبه‌های مختلف به خود می‌گیرد. بنابراین رابطه واحد می‌تواند از هر سه جنبه هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی مورد توجه قرار گیرد. انسان در دیدار خداوند توحید ذات را حاضر می‌بیند، به معرفت ذات از طریق ذات عارف می‌شود، و عشق ذات را به ذات شهود می‌کند (فرهانیان، ۱۳۹۵). پرداختن به علوم را فقط در جایی با ارزش می‌دانست که به فهم بهتر کتاب مقدس کمک کند. جهان برای آگوستین فقط از این نظر اهمیت دارد که آفریده خداست (یاسپرس، ۱۳۶۳). فقط خود خداست که می‌تواند خودش را بشناسد. ما صرفاً می‌توانیم خدا را از طریق خلقت و به نحو باطنی بشناسیم (دورانت، ۱۳۶۸). معنی گرویدن به آیین مسیح برای آگوستین، یافتن خدا از راه مسیح و کلیسا و کتاب مقدس است. اندیشه او درباره خدا میان خدای بی‌نهایت دور و دست نیافتنی و خدای متجلی شده به صورت مسیح در نوسان است (یاسپرس، ۱۳۶۳). سهروردی از فیلسوفانی است که به وجود موجودات و انوار واسطه معتقد است. یعنی نورالانوار در تحقق عالم هستی نخست واسطه‌هایی را ایجاد نموده و آنگاه بتدریج شبکه عظیم هستی شکل گرفته است. سهروردی اثبات مفاد این قاعده را در جهان خارج از طریق تجرد نفوس ناطقه انجام داده است. به بیان دیگر، می‌توان این قاعده را چنین تطبیق کرد: نفوس ناطقه موجودات، اخص هستند و مقدم بر هر موجود اخص، موجود اشرف هم سنخ با آن تحقق دارد، پس مقدم بر نفوس ناطقه، موجود اشرف هم سنخ آنکه همان جوهر مفارق و مجرد است، وجود دارد (امید، ۱۳۷۶). شوق و عشق برای رسیدن به مرتبه و زیبایی معشوق لذت و عشق را به اقسام مختلف تقسیم می‌نماید. همان‌گونه که زیبایی‌ها را می‌توان به زیبایی حسی، خیالی، عقلی (آرمانی)، مطلق الهی (نورالانوار) تقسیم نمود لذات را می‌توان به

منابع

- آگوستین قدیس، (۱۳۸۱)، اعترافات آگوستین، میثمی س، تهران، دفتر نشر و پژوهش سهروردی.
- ایلخانی م، (۱۳۸۲)، تاریخ فلسفه در قرون وسطی، تهران، سمت.
- ایلوکایناس امید سیدلر ش، (۱۳۹۴)، ایمان به روایت عزالدین محمود کاشانی و آگوستین، پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز - دانشکده ادبیات علوم انسانی، کارشناسی ارشد
- بهشتی م، ابوجعفری م، فقیه ای ع ن. ۱۳۷۹. آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: انتشارات سمت، جلد دوم.
- باقری، خ، سجادیه، ن، توسلی ط، (۱۳۸۹)، رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
- باقری، نوع‌پرست، خ، زهیر، م، (۱۳۹۰)، مبانی فلسفی و روانشناختی تعلیم و تربیت: بررسی دیدگاه‌های سهروردی و هوسرل، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت (مطالعات تربیتی و روانشناسی مشهد)
- بهشتی، م، ابوجعفری، م، فقیهی، ع، (۱۳۷۹)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران، سمت، جلد دوم.
- دورانت، و، (۱۳۸۰)، عصر ایمان، ترجمه طاهری، ا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- پورسینا، ز، (۱۳۸۸)، آموزه "ایمان می‌آورم تا بفهمم" تجلی عقل‌گرایی اراده‌گرایانه آگوستینی، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، دوره ۹، شماره ۳۳۱.
- توانا، م ع، (۱۳۸۸)، نسبت خود و قدرت سیاسی در اندیشه سنت آگوستین، پژوهش سیاست نظری (پژوهش علوم سیاسی)، دوره جدید شماره ۵.
- دارابی، ک، (۱۳۹۲)، مسأله شر از دیدگاه صدرالمآلهین و آگوستین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- دهقانی، ص، (۱۳۹۰)، تبیین و نقد مبانی و اصول فلسفی تربیت اخلاقی در دوره قرون وسطی (آگوستین) و مدرن (جان لاک) و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه.
- رضازاده، ح، (۱۳۹۰)، ماهیت نفس از نظر سهروردی، انسان‌پژوهی دینی، دوره ۸ شماره ۲۶.
- سهروردی، ش ا، (۱۳۸۰)، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تصحیح و مقدمه هانری کربن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شرفی‌جم، م، خلیلی، س، (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی مبانی فلسفی شیخ اشراق و برگسون و دلالت‌های آن، تربیت اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۱.
- عسگریان، ا، (۱۳۹۰)، رابطه دین و اخلاق از دیدگاه آگوستین و غزالی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه، دانشگاه پیام نور تهران دانشکده علوم انسانی.
- عروتی‌موفق، ا، (۱۳۹۲)، سعادت در حکمت اشراق و مشاء (مطالعه موردی افلاطون، ارسطو، فارابی، سهروردی)، پایان‌نامه دکتری اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم.
- علم‌الهدی، ج، (۱۳۷۶)، تأثیر مسیحیت بر تعلیم و تربیت در غرب، کیهان فرهنگی، ۱۳۵: ۶۶-۶۲.
- فرهانیان، ف، (۱۳۹۵)، رابطه انسان و خدا از نظر شاه نعمت‌الله ولی و آگوستین قدیس، پایان‌نامه دانشگاه علامه طباطبایی - دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دکترای تخصصی فلسفه تطبیقی.
- فضلی، ع، (۱۳۹۱)، روند شکل‌گیری اشراق (اشراق عرفانی) از دیدگاه شیخ شهاب‌الدین سهروردی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- کاپلستون، ف، (۱۳۸۷)، تاریخ فلسفه جلد دوم، ترجمه دادجو، آ، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- کرباسی‌زاده، ع، ذوالفقاری، ز، (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی شهر خدای آگوستین و مدینه فاضله فارابی، اندیشه دینی، ۱۴ (۳ پیاپی ۵۲): ۷۳-۹۰.
- منصورنژاد، م، (۱۳۸۹)، مقایسه شخصیت و دیدگاه‌های امام محمد غزالی و آگوستین قدیس، تهران: انتشارات جوان پویا.
- مجتهدی، ک، (۱۳۷۵)، فلسفه در قرون وسطی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- محمدی، ت، مرادی، ف، (۱۳۹۴)، بررسی و مقایسه دیدگاه‌های تربیتی بوعلی سینا و توماس آکوئیناس قدیس و دلالت‌های تربیتی این دو دیدگاه در آموزش و پرورش، مجله علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی شماره ۲.
- یاسپرس، ک، (۱۳۶۳)، آگوستین، لطفی، م، تهران، انتشارات خوارزمی.